خط جهاد

ماهنامه تخصصی جهادگران حوزوی / شهریور ۱۴۰۱ | شماره هشت

رهنمود

مقصود و مطلوب من از حیات در این دنیا جز خدمت به خلق خدا نیست. [شیخ حسن‌علی نخودکی، نشان از بی نشان‌ها، ج۱، ص۲۲]

سخن نخست

خادمان حسینیه ایران

مسلم عارف

حاج عبدالله والی، انوار المصطفی، شهید حججی، انصارالمهدی، شهید سلیمانی، اسلام ناب محمدی، شهید ملامیری، رضویون، شهدای روحانی، عهد خیمه، شهدای مقاومت، ولی عصر و...

اگر بخواهیم با کلمات بالا جمله بسازیم تنها به یک خروجی می‌رسیم: این گروه‌های جهادی گرد هم آمده‌اند تا توان خود را به توان خدا کنند و در حد ظرفیت خود از حاصل، دلوی از دستان لرزان پیرزنی به کمک بگیرند، آب آن را به پای گُلی جوان بریزند، زنبورها را با شعر و صلوات به خوردن شهد آن گل دعوت کنند و از او عسلی آکنده از بوی پونه و ریحان به یادگار بگیرند و در استکانی بلورین که از شیر تازه‌ی گاوهای سربه‌زیر، سرریز شده است حل کنند و سپس جاده‌ای را به ضربات پتک عشق و اراده هموار سازند تا بتوانند این معجون داغ بهشتی را در زمستان‌ها، باران‌ها و بوران‌ها، به مردم سایر نقاط برسانند.

این نام‌ها، تا پیش از این تنها کلماتی تنها بودند که مثل رمزی گنگ، بر صفحه‌ی شنی مناطق محروم نگاشته می‌شدند. اما حالا این کلمات جمله‌ای شده‌اند در کتاب سنگی روزگار. آمده‌اند تا کاری بزرگ را با هزار دستی که هم‌داستان شده‌اند به پایان برند.

این گروه‌ها، سال‌ها هر یک نخی و سوزنی و پارچه‌ای بودند که به تنهایی، دردی را چندان دوا نبودند. اما اکنون در کنار هم پالتوی دوخته‌اند از توان تن خویش که ایثارگرانه، آن را بر تن رنجور مردمان نادار و ناتوان می‌پوشانند تا این طور، مدافع حرم ایران باشند.

همین گروه‌ها که تا چندی پیش میخی بودند رها در دل دیوار ریزان محرومیت‌ها، اینک هر یک بیخ‌بندی را گرفته‌اند تا «خیمه‌گاه خدمت» برپا شود و مردم از سایه‌ی محرومیت‌های مادی و فکری به زیر آن پناه ببرند. آن گاه دور عمود درخشانی که به دستان یتیم‌نواز علی(ع) برپا گشته است سینه بزنند و گرم امید و ایمان شوند. این جا حسینیه‌ی ایران است و این نام‌ها، خادمان افتخاری آن.

گفت‌وگو

خدمت فرامذهبی

گفت‌وگوی «خط جهاد» با مدیر حوزه علمیه استان هرمزگان حجت‌الاسلام و المسلمین حقیقی

اشاره

جنگ که فقط تیر و تفنگ نیست که اگر شیپورش نواخته شود مرد از نامرد شناخته شود. بحران‌ها و حوادث اقتصادی، طبیعی، سیاسی و رسانه‌ای هم خودشان محک مهمی برای شناسایی مرد از نامرد هستند. زلزله هر جا را که ویران کند، بنّا می‌خواهد؛ هم برای تعمیر دیوارهای فروریخته و هم برای مرمت دل‌های آشفته. هر دو ارزشمندند. اما اگر دلی از آشفتگی بیرون نیاید، قصر هم برایش زندان است و برعکس؛ اگر دلی پرشعف شد، کنج چادر را مأمن خود می‌پندارد. خبر زلزله که مخابره شد، طلبه‌های هرمزگان پیش از آن که تفرقه‌بازان شیعه و سنی بساط فریبشان را بگشایند خود را مثل خون در پیکر رو به احتضار روستاهای ویران جاری کردند. آن چنان که آیت‌الله اعرافی دست به قلم شد و این شکوه را قدردانی کرد. حالا روایت این حیات دوباره را از زبان مدیر حوزه‌های علمیه استان هرمزگان؛ حجت‌الاسلام و المسلمین حقیقی می‌خوانیم.

روح الله جلالوند

استان هرمزگان جزو مناطق مشترک شیعه و سنی است. ارتباط طلاب و روحانیون تشیع و اهل‌سنت با یکدیگر چگونه است؟

رابطه حوزه‌های علمیه شیعه و اهل‌تسنن خیلی خوب است. رفت و آمد بین مدارس علمیه در جریان است. نشست‌های دو یا چند جانبه‌ای بین علمای شیعه و اهل‌سنت برگزار می‌شود.

در مدارس علمیه استان هرمزگان علاوه بر مباحث درسی و علمی، آیا برنامه‌های اجتماعی، تبلیغی و جهادی هم در نظر گرفته شده است؟

حوزه علمیه باید با مردم و برای مردم باشد. در حال حاضر، آن روحانی یا حوزه‌ای موفق است که با دردهای مردم آشنا و مشکلات آن‌ها را مشکل خودش بداند. بر این اساس سعی کرده‌ایم هر مدرسه در استان یک گروه جهادی طلبگی داشته باشد.

روستای سایه‌خوش، صددرصد سنی‌نشین است. بعد از زلزله، طلاب مدارس علمیه شیعه از اولین گروه‌های امدادرسان بودند که آنجا رسیدند. آوار‌برداری، تأمین بخشی از مایحتاج مردم زلزله‌زده، ارائه مشاوره و ایجاد آرامش روانی برای آن‌ها و فعالیت‌های عمرانی از خدمات طلاب بود که نگاه خوبی نسبت به حوزه‌های علمیه ایجاد کرد.

در سیل شهر سنی‌نشین جاسک طلاب جهادگر به کمک آسیب‌دیدگان رفته و بالغ بر ۲۰۰ میلیون تومان کمک توسط حوزه علمیه هرمزگان جمع‌آوری و هزینه شد.

در اوج شیوع کرونا قریب ۴۰ نفر از طلاب جهادگر بشارت در بیمارستان‌های مخصوص کرونایی‌ها، خدماتی همچون یاری‌رسانی به پرسنل درمان و تغسیل داشتند.

چه لزومی دارد روحانیون به خدمات جهادی بپردازند؟ آیا به تحصیلشان ضربه نمی‌زند؟

اعتمادی که مردم به طلاب و روحانیون دارند حضور آنان در مواقع حساس را ایجاب می‌کند؛ در طول تاریخ علما پناهگاه و گره‌گشای مشکلات مردم بوده‌اند. الآن هم باید حوزه خود را پناهگاه مردم در ساحت‌های مختلف بداند تا در تراز انقلاب اسلامی و دین مبین اسلام باشد؛ هرچه در بین مردم بودن بیشتر باشد به اهداف انقلاب اسلامی نزدیک‌تر خواهد بود.

فعالیت‌های جهادی با تحصیل قابل جمع است؛ تحصیل در راستای خدمت‌رسانی به مردم است.

حضور طلاب در بین مردم در قالب‌های تبلیغی و جهادی چه تأثیری در خنثی نمودن نقشه‌های دشمن دارد؟

انقلاب اسلامی که به برکت خون شهدا و هدایت‌های امام راحل(ره) شکل گرفت نظام‌های استکباری را به زانو درآورد. حوزه و انقلاب از هم جدا نیستند؛ دشمنان برای شکست مردم ایران به این نتیجه رسیده‌اند که آنان را از دستگاه امام حسین(ع) و در وهله بعد از روحانیت فاصله دهند.

خنثی‌سازی این سناریو از طریق حضور روحانیت در میان مردم محقق می‌شود.

اساساً عافیت‌طلبی و رفاه‌طلبی یک مشکل و آسیب جدی برای روحانیت است؛ باید حواسمان باشد که اهداف دین و انقلاب اسلامی را به مشکلات معیشتی و اقتصادی گره نزنیم.

باید زندگی ما به گونه‌ای باشد که اگر مردم مشکل معیشتی دارند، ما هم داشته باشیم. ما باید مانند ضعیف‌ترین اقشار مردم زندگی کنیم و از زیست تجملی به طور جدی بپرهیزیم.

نقش‌آفرینی علما در زمینه خدمت‌رسانی به مردم و تحکیم وحدت بین شیعیان و اهل‌سنت استان هرمزگان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

حاج آقای عدالت در شهرستان رودان یکی از این عالمان دینی است که قریب ۲۰ هزار نفر را تحت پوشش داشته و به صورت ماهانه کمک‌های معیشتی را به دست آنان می‌رسانند. بسیاری از نیازمندان استان با کمک حاج آقای عدالت خانه‌دار شده و ایشان تا کنون در زمینه تأسیس چندین مدرسه و درمانگاه نیز شرکت داشته‌اند.

در بندرعباس شخصیت ممتاز و برجسته‌ای به نام حاج آقای متین داریم که از مبارزین اوایل انقلاب اسلامی بوده‌اند. ایشان را می‌توان یک جهادگر واقعی دانست.

فعالیت‌های حجت‌الاسلام والمسلمین رکنی در سطح استان هرمزگان و در راستای تحکیم وحدت شیعیان و اهل‌سنت بندرلنگه نیز کاملا محسوس و قابل تجلیل است.

در شهر میناب هم حجت الاسلام قنبر درویشی به ارائه خدمات اجتماعی مختلف پرداخته و در راستای وحدت شیعه و سنی تلاش‌های شایانی داشته‌اند.

اعتمادی که علمای استان هرمزگان به وجود آورده‌اند موجب شده هم از ظرفیت طلاب برای خدمت‌رسانی استفاده کنند، هم از توانمندی‌های غیرطلاب.

با توجه به تنوع موجود در عرصه‌های خدمت‌رسانی در جامعه به نظر شما طلاب برای اثرگذاری بیشتر باید در کدام عرصه به ارائه خدمت بپردازند؟

پرداختن به فعالیت‌های سازندگی و خدمت‌رسانی عمرانی مهم است اما بخش مهمی از این مشکلات به عوامل فرهنگی برمی‌گردد.

مردم نیز از حوزه و روحانیت انتظار پرداختن به مسائل فرهنگی و تبلیغ دینی دارند.

لطفا در مورد نقش مرحوم حاج عبدالله والی در محرومیت‌زدایی از این منطقه توضیحاتی بفرمایید.

خصیصه‌ی مرحوم حاج عبدالله والی این بود که به حوزه علمیه و روحانیت اعتقاد و باور عمیق و قلبی داشت. ایشان بانی حوزه علمیه بشاگرد شد و همه خدمات خود را یک طرف و تأسیس مدرسه علمیه را یک طرف می‌دانست و می‌گفت اگر قرار باشد چیزی منطقه بشاگرد را نجات دهد همین مدرسه است.

جهادگر شهید

شهید حجت الاسلام حسینعلی جعفری

۱۳۴۷(مازندران، بندپی‌شرقی) | ۱۳۶۵ (جبهه مهران)

وقتی دیده‌مشان یاد آرزویت افتادم. می‌خواستی همه این روستاهای اطراف را آباد کنی. می‌خواستی راه بکشی. می‌خواستی نگذاری دیگر هیچ مادری در گل و لای جاده‌های مال‌رو زمین بخورد. می‌خواستی کاری کنی تا دیگر هیچ پدری به خاطر قرص و داروی همسر یا فرزندش از گردنه‌ها سقوط نکند.

حسینعلی، پسرم! من تو را با دستان خودم در قبر گذاشتم. همه‌ی این مردم هم که در آن تشییع باشکوه حضور داشتند دیدند. تن پاره‌پاره‌ی تو از میان ما رفت به آغوش خاک. اما من ایمان داشتم روح تو و نیروی تو هنوز بر روی این خاک مثل یک رود زلال جاری است. من هم بهره‌ای از این توان داشتم و تا جایی که شد، مرهمی، بر زخم فقیری ساکن در کلبه‌ای نم‌زده گذاشتم. تا بازویم یاری می‌داد، سنگی از پیش پای کودکی برداشتم تا بتواند سریع‌تر به طرف آینده‌اش برود و آن را بسازد.

اما باید به تو بگویم که غیر از من این جوان‌ها هم از نور وجود تو بهره گرفته‌اند. آن قدر زیاد که مثل تشنه‌ها به دنبال آبی بودند تا آن را به خانه‌های خشکیده و جویبارهای ترک خورده‌ی روستاهای دوردست برسانند. آن قدر زیاد که مثل فرهاد، کلنگ به دست دنبال کوهی می‌گشتند تا آن را مقابل نگاه شیرین تو بکنند و صاف کنند. وقتی دیدم این طلبه‌ها آمده‌اند برای خدمت به مردم، خودشان را رسانده‌اند برای باز کردن حتی یک گره و ایستاده‌اند به ساختن رؤیایت، فهمیدم سفیر تو هستند.

برایم تعجب‌آور نبود که طلبه‌ها آمده‌اند تا فانوس آرزوهایت را در کوچه‌های تاریک این روستاها بیاویزند. چون یک بار دیده بودم که تو هم برای محقق کردن هر چه در سر داشتی، به حوزه‌ی علمیه رو آوردی. همچنین با چشمانی اشک‌بار دیدم که خون خود را در فانوس آرزوهایت ریختی. آخرین نگاهت طوری بود که انگار می‌گفت کافی است کسی بیاید و این فانوس و هزاران فانوس دیگر را با آتش اراده و ایمانش روشن کند.

دیگر نگران هیچ چیز نبودم. هیچ چیز. حتی وقتی دیدم سیمان‌هایشان تمام شده و حسابی در تکاپوی رساندن چند کیسه سیمان به مردم هستند. البته بگویم، از وقتی دیگر نگران نبودم که آمدند به زیارت مقبره‌ات و از خودت و خدایت کمک گرفتند. از آن وقت دیگر فقط منتظر بودم تا دستان پنهانت را در رساندن کمک به دوستانت و به مردمی که عاشقشان هستی مشاهده کنم. آخر هم دستانت را روی شانه‌ی کودکی دیدم که برای طلبه‌ها آب می‌برد، روی کیسه‌های سیمان تازه رسیده می‌نشست و از خوشحالی لبخند می‌زد.

برگرفته از خاطرات پدر شهید

خوب و خوب‌تر

إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَ إِنْ تُخْفُوها وَ تُؤْتُوهَا الْفُقَراءَ فَهُوَ خَيْرٌ

اگر انفاقها را آشکار کنید، خوب است! و اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است! و قسمتی از گناهان

لَكُمْ وَ يُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئاتِكُمْ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴿۲۷۱﴾

شما را می‌پوشاند؛ (و در پرتو بخشش در راه خدا، بخشوده خواهید شد) و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (۲۷۱)

سوره مبارکه بقره، آیه ۲۷۱

گفت‌وگو

حضور ۴۰۰ طلبه ایرانی و غیرایرانی در خیمه‌گاه خدمت

تشریح فعالیت‌های قرارگاه جهادی حوزه‌های علمیه

حجت‌الاسلام علیخانی، مسئول دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی حوزه، از برگزاری اردوی جهادی طلاب در قالب قرارگاه جهادی حوزه‌های علمیه، به استعداد ۴۰۰ نفر از طلاب ایرانی و غیرایرانی از ۸ استان و ۱۵ ملیت خبر داد و گفت: جهادگران حوزوی این بار جهت ارائه خدمات عمرانی، فرهنگی و تبلیغی، آموزشی، پزشکی و دندان‌پزشکی به مدت ۷ روز در دهه سوم مرداد سال جاری به منطقه بندپی شرقی واقع در شهرستان بابل اعزام شدند.

وی افزود: عمده فعالیت عمرانی در ۲۱ روستای منطقه شامل بتن‌ریزی جاده‌های فرعی روستایی بوده که با توجه به بارش باران در فصل پاییز و زمستان، تلاش شد مسیر تردد خودروها در این جاده‌های گلی هموار شود.

حجت‌الاسلام علیخانی در ادامه اظهار کرد: اجرای برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی در مساجد، تکایا و خانه مستضعفین و خانواده‌های شهدا از سوی جهادگران حوزوی و ارائه خدمات دندان‌پزشکی به صورت کامل برای اقشار ضعیف جامعه از سوی مجمع طلاب جهادی «الکفیل»، از دیگر عرصه‌های خدمت‌رسانی در قرارگاه جهادی حوزه بوده است.

خبرگزاری حوزه

اخبار برگزیده

روضه خانگی با حضور طلاب جهادی در حاشیه شهر مشهد

حجت‌الاسلام پورنجف مسئول گروه جهادی تبلیغی حیدریون با اشاره به فعالیت ۲۵۰ طلبه جهادی در این گروه گفت: مددجویان تحت پوشش خیریه‌ها که دوست دارند در منزلشان مراسمات مذهبی برگزار کنند، ولی هزینه مورد نیاز را ندارند، توسط مراکز نیکوکاری معرفی می‌شوند و طلاب جهادی ما از یک تا سه روز به منازل‌شان رفته و برای آن‌ها مراسم روضه‌خوانی برگزار می‌کنند.

درگذشت طلبه جهادی قزوینی در سیل رفسنجان

حجت‌الاسلام مصطفی نصیری از طلاب مدرسه فقهی علی بن موسی الرضا(ع) که برای تبلیغ به اتفاق همسرش به رفسنجان رفته بود، در مسیر گرفتار سیل شد و در شب اول محرم دارفانی را وداع گفت. این روحانی جهادی از شاعران آیینی و جبهه هنری انقلاب بود و سروده‌هایی در رثای اهل بیت(ع) سروده است. رسیدگی به امور محرومین از فعالیت های جهادی مرحوم حجت‌الاسلام نصیری بود.

جلسه هم‌اندیشی جهادگران حوزوی بابل برگزار شد

جلسه هم‌اندیشی دبیر گروه‌های جهادی حوزه‌های علمیه بابل با مسئولین گروه‌های جهادی طلاب این شهرستان، با حضور حجت‌الاسلام علیخانی، مسئول دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی در بابل؛ برگزار شد. در این جلسه ضمن گفت‌وگو پیرامون ترویج فرهنگ خدمت‌رسانی در مدارس، حجت‌الاسلام گلی‌کریمی مجدداً به عنوان دبیر گروه‌های جهادی شهرستان بابل انتخاب شد.

جهت دریافت نسخه‌های مختلف هر شماره و دسترسی به آرشیو نشریات بارکد روبرو را اسکن کنید:

همراه شوید

از همان اول، بنا نداشتیم که فقط گوینده باشیم؛ می‌خواهیم دعوتتان کنیم به نوشتن در این نشریه. شما هم می‌توانید یک ستون، یا تمام محتوای نشریه را به عهده بگیرید و حرفهایتان را از این تریبون به گوش طلبه‌ها برسانید.

در شناسه khatejahad_admin@ایتا منتظر مطالب و نظرات شما هستیم.

ارتباط با ما

@khatejahad_admin | khatejahad

www.jahadgaranhowzavi.com/mag

khatejahad.mag@gmail.com | ۰۲۵-۳۲۹۴۲۱۱۰

شناسنامه

ماهنامه خط جهاد؛ نشریه تخصصی جهادگران حوزوی | سال اول | ماه هشتم | شماره هشتم

صاحب امتیاز: دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی حوزه‌های علمیه کشور

مدیر مسئول: ابوالفضل علیخانی | سردبیر: روح الله جلالوند | مدیر هنری: عبدالحمید ابراهیمی نیا

نویسندگان: روح‌الله جلالوند، مسلم عارف، امید صادقی | ویراستار: مهدی کمیلی‌فر

کتابخانه جهادی

صفات الشیعه

شیخ صدوق

گاهی نسیمی می‌وزد و دل بیشتر از گذشته، مشتاق سرسپردگی به محضر الهی و معنویت می‌شود و به دنبال نقشه راهی است که تکلیفی به عهده‌اش بگذارد؛ تکالیفی سخت‌تر از آنچه تا کنون انجام می‌داده. این ۷۱ روایت نورانی که در حدود ۵۰ صفحه با تلاش «شیخ صدوق» جمع‌آوری شده، سرشار است از آن قبیل تکالیف و اوصاف. جستجوگر رتبه‌های بالاتر نباید از این نسخه‌ها بی‌خبر باشد. نسخه‌هایی که تکلیف هر کس را با خودش، با خدایش و با اجتماع پیرامونش روشن می‌سازد. توجه به فقرا و خدمت به مؤمنان از همان تکالیف شیعیان خاص است که در مسیر تعالی می‌توان به آن چنگ زد.

کلام معصوم

پشت درِ بهشت

روایت شیرینی از رسول خدا(ص)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : دَخَلَ عَبْدٌ الْجَنَّةَ بِغُصْنٍ مِنْ شَوْكٍ كَانَ عَلَى طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَأَمَاطَهُ عَنْهُ .

بنده‌ای در اثر اینکه شاخه خاری را از سر راه مسلمین برداشت اهل بهشت شد.

[بحار الأنوار ج ۷۲، ص ۴۹]